

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال ششم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

شناسایی تصحیحات موفق متون ادبی تصحیح‌شده زنان با معیار نظریه دیمتری لیکچف^۱

دکتر محمدباقر شهرامی^۲

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین (نویسنده مسؤول)

دکتر رضا سمیع‌زاده^۳

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

چکیده

یکی از نظریه‌پردازان برجسته حوزه تصحیح، دیمتری لیکچف روس است که در کتاب متن‌شناسی خود و در چند نمونه از مقالاتش، به‌طور مفصل به ارائه دیدگاهش درباره تصحیح متون خطی پرداخته است. در این مقاله، با بررسی آثاری که زنان در ایران تصحیح کرده‌اند، بهترین آثار تصحیحی زنان بر مبنای نظریه لیکچف مشخص می‌شود. هدف از این کار فهم بهتر نظریه لیکچف است؛ در واقع نظریه لیکچف تنها تئوری تصحیح است که معتقد است با اینکه سبک تصحیح زنان و مردان در کلیت یکسان است، برخی تفاوت‌های جزئی نیز دارد. نظریه لیکچف دارای سه مرحله اصلی «تربیت»، «کشف و به‌گزینی» و «ارائه» است. پرسش اصلی پژوهش این است که «باتوجه به نظریه لیکچف، آیا می‌توان

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۳

۱ تاریخ وصول: ۹۹/۷/۲۹

^۲ dr.mshahrami@gmail.com

^۳ samizadeh@ikiu.ac.ir

نوعی سبک شخصی برای تصحیح زنان قائل شد؟» که پاسخ به آن، مثبت است و این ویژگی را باید در توجه دقیق و ظریف زنان به مسائل پیرامتن جست‌وجو کرد. همچنین مهم‌ترین نتیجه‌گیری این مقاله، شناسایی تصحیح *ظفرنامه* منظوم از منصوره شریف‌زاده به‌عنوان بهترین تصحیح زنانه است؛ نیز شناسایی این اصل که شاخصه رعایت انسجام ساختاری در پیرامتن، مهم‌ترین امتیاز تصحیحات زنان به شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی

ادبیات، تصحیح، لیکچرف، زنان

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسئله و ضرورت پژوهش

تصحیح متون ادبی از مهم‌ترین حوزه‌های ادبیات است؛ اما در ایران از نظر مباحث نظری و تئوری، با کمبود روبه‌روست. به‌جز چند کتاب مانند *شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی* از نجیب مایل هروی و *راهنمای تصحیح* از جویا جهانبخش و چند مقاله که غالباً بازگوکننده مطالب آن کتاب‌ها هستند، اثر خاص دیگری در ایران نیست. یکی از نظریه‌پردازان بزرگ تصحیح، دیمتری لیکچرف روس است که در کتاب خود به نام *متن‌شناسی* و چند نمونه از مقالاتش، به ارائه دیدگاه مستقل خود درباره تصحیح پرداخته است.

تصحیح متون ادبی مصحح زنان، از دوران بعد از انقلاب و از دهه هفتاد آغاز شد و در دهه هشتاد و نود، به شمار تصحیحاتی که زنان انجام داده‌اند، به‌طور چشمگیری افزون شد. نظریه جامع دیمتری لیکچرف، قابلیت بررسی کیفیت تصحیح آثار ادبی را دارد. در این مقاله، ضمن آشناکردن خوانندگان گرامی با نگرش لیکچرف به امر تصحیح، با کمک نظریه

وی، به تبیین بهترین نمونه‌های تصحیح آثار ادبی تصحیح شده زنان پرداخته می‌شود. ارائه معیارهایی برای بررسی تصحیحات متون ادبی، امری ضروری است و بدین وسیله می‌توانیم، به صورت منسجم‌تر و علمی‌تر به تحلیل کیفیت تصحیح آن آثار پردازیم.

۲-۱ پیشینه پژوهش

در باب پیشینه پژوهش باید گفت تاکنون هیچ اثری در ایران نوشته نشده است که به طور کامل یا در ضمن یک موضوع دیگر، به نظریه لیکاجف پردازد؛ همچنین درباره بررسی تصحیحات زنان در ایران نیز کتاب یا مقاله‌ای وجود ندارد. تنها در مقاله‌هایی شاهد نقد تصحیحی از یکی از مصححان زن بوده‌ایم؛ برای مثال حسن رحمانی در مقاله «نگرشی به تصحیح تازه خمسه نظامی» (۱۳۹۴)، به نقد تصحیح سامیه بصیر مژدهی از این اثر پرداخته است و یا علی شاهباز در مقاله «لزوم تصحیح انتقادی حدیقه الحقیقه» (۱۳۸۹) نسبت به تصحیح مریم حسینی انتقاد کرده است؛ بنابراین مقاله حاضر نخستین اثر درباره بررسی و ارائه نظریه لیکاجف و بررسی تصحیحات زنان بر این مبناست.

۳-۱ نظریه تصحیح دیمتری لیکاجف

دیمتری سرگیویچ لیکاجف^۱ (۱۹۰۶-۱۹۹۹ م.) زبان‌شناس برجسته روسی در سال ۱۹۰۶ در سن پترزبورگ به دنیا آمد. خانواده وی بسیار طرفدار عقاید مارکس بودند. پدر لیکاجف سال‌ها در گروه سیاسی مارکسیست‌های افراطی، از اعضای مهم و باسابقه بود. همین امر باعث علاقه و آشنایی دیمتری به فضای سیاست شد. دیمتری در سال ۱۹۲۳ زمانی که تنها شانزده سال داشت وارد دانشگاه دولتی لنینگراد^۲ در شوروی شد و در رشته زبان‌شناسی به تحصیل پرداخت. «لیکاجف چند ماهی را به علت حضور در یک انجمن دانشجویی علیه کرملین، نخست‌وزیر وقت شوروی و روش او در سیاست و حکومت، به زندان رفت و بعد از آزادی از زندان، به مدت پنج سال به اسلوواکی تبعید شد» (polsky, 2010: 328). لیکاجف در آنجا به نگارش کتاب جالبی به نام واژگان زبان دزدان و جانیان

پرداخت. «در ۱۹۴۷ لیکچرف دکتری خود را در رشته‌ی واژه‌شناسی اخذ کرد و استاد دانشگاه لنینگراد شد و به مدت سی سال در این دانشگاه تدریس کرد» (همان: ۳۲۹). وی در سال ۱۹۹۹ درگذشت.

لیکچرف تنها در زمینه‌ی زبان‌شناسی فعالیت نداشت؛ بلکه درباره‌ی ادبیات روسیه و تأثیر آن بر ادبیات دنیا، اساطیر و فولکلور روسیه و حتی ستاره‌شناسی نیز تحقیقات ارزنده‌ای انجام داد. مجموع فعالیت‌های او در حوزه‌های مختلف، وی را به یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین دانشمندان روسیه بدل کرد؛ به طوری که هشت دکترای افتخاری از دانشگاه‌های مختلف جهان - از جمله دانشگاه کلمبیا آمریکا و دانشگاه بوردو فرانسه - به وی اعطا شد و نام و تصویر او نیز بر روی تمبر نقش بست (اسعدی، ۱۳۹۰: ۱۶۸). لیکچرف یکی از مهم‌ترین دانشمندان حوزه‌ی متن‌شناسی و زبان‌شناسی است؛ اما باینکه بیشتر آثار او، به انگلیسی هم ترجمه شده است، لیکچرف و آثارش در ایران چندان شناخته‌شده نیستند. علاوه بر دو جلد کتاب مهم وی یعنی متن‌شناسی، او کتاب‌های مهمی درباره‌ی فولکلور و قصه‌های عامیانه و اسطوره دارد که در بردارنده‌ی دیدگاه‌های مهم و تازه‌ای است.

لیکچرف در سال ۱۹۶۲ یکی از مهم‌ترین آثارش به نام متن‌شناسی را نوشت. بعدها در سال ۱۹۸۸ نیز جلد دوم این کتاب را نوشت که هم برخی از مطالب جلد اول در آن دیده می‌شود و هم اینکه شامل یک بحث جدید، یعنی بحث تصحیح است. او در این کتاب، حدود شصت صفحه درباره‌ی پیشینه‌ی تصحیح متون خطی در غرب و شرق و به‌ویژه ارائه‌ی نظریه‌ی خود در این باره پرداخت که می‌توان گفت نظریه‌ی وی، از جامع‌ترین و منسجم‌ترین آرای موجود در زمینه‌ی تصحیح متون خطی است. لیکچرف بارها از زبان مصححان شرقی یا مستشرقان تصحیح‌کننده‌ی متون خطی اسلامی شنیده است که به جای اصطلاح متن خطی از نسخه‌ی خطی استفاده می‌کنند؛ او ابتدا به این موضوع انتقاد کرده است؛ زیرا به نظر لیکچرف، نسخه‌ی خطی نامش خود واضح و گویای همه‌چیز است. لیکچرف ادامه می‌دهد: «در اصل

باید برای یک اثر که به صورت خطی و دست‌نویس موجود است از اصطلاح «متن خطی» استفاده کرد نه نسخه خطی؛ چراکه نسخه بیانگر نسخ متعدد یا واحد موجود از آن متن خطی است و نه خود متن. پس این اصطلاح باید اصلاح شود» (likachov, 1988: 148).

لیکاچف در کتاب *متن‌شناسی*، به تفصیل درباره تصحیح نسخ خطی و سبک تصحیحات موجود و نظریه خود صحبت کرده است. او پس از بیان تاریخچه‌ای مختصر از تصحیح متون مقدس در اروپا و نسخ خطی آثار یونان و روم باستان، به امر تصحیح در اسلام نیز پرداخته است؛ پس از این تاریخچه چهارده صفحه‌ای، به قسمت اصلی بحث خود یعنی ارائه نظریه‌اش می‌پردازد. بر مبنای سخنان وی، تصحیح مردان و زنان در کلیت امر با هم یکسان هستند؛ اما تفاوت‌های جزئی‌ای نیز میان تصحیح این دو جنسیت وجود دارد که در ادامه بیشتر توضیح داده می‌شود. لیکاچف ابتدا به برخی از روش‌های مرسوم در امر تصحیح نسخ در اروپا و اسلام پرداخته است و پس از آن، به ارائه نظریه خود می‌پردازد.

وی ابتدا امر تصحیح را شامل سه مرحله اصلی دانسته است. مرحله اول را مرحله تربیت^۳ نامیده است که منظور وی از آن، «انتخاب و تربیت افرادی است که صرفاً با هدف فعالیت در امر تصحیح، مورد تعلیم واقع شوند» (همان: ۱۶۲). مرحله دوم را مرحله کشف و به‌گزینی^۴ می‌داند که خود دارای این بخش‌هاست: الف) شناسایی یک متن مهم خطی؛ ب) شناسایی مصالح؛ ج) انتخاب نسخ اصلی و فرعی.

لیکاچف مرحله سوم را مرحله ارائه^۵ نامیده است و منظور وی این است که «مصحح در صورت برخورداری از پیش‌شرط‌هایی که بیان شد و با استفاده از روش‌هایی که در مرحله ارائه وجود دارد، می‌تواند به احیای یک متن خطی بپردازد و آن را به عرصه چاپ برساند» (همان: ۱۶۳). این مرحله شامل بخش‌های زیر است:

الف) تعیین درجه انعطاف متن خطی؛ ب) رعایت انسجام ساختاری مقدمه؛ ج) رعایت انسجام ساختاری پیرامتن.

همان‌طور که دیدیم، نظریه لیکچف دارای سه مرحله اصلی است و هر مرحله شامل زیرمجموعه‌ها و مصادیقی است. لیکچف معتقد است: «برای اینکه بعد از تصحیح یک اثر، افراد دیگری نیایند و از تصحیح آن متن، ایراد بگیرند و حق با آنان باشد و عملاً شاهد اتلاف هزینه و وقت باشیم، یک تصحیح باید سه مرحله فوق را رعایت کند» (همان: ۱۶۵). به نظر ما، یکی دیگر از امتیازات نظریه لیکچف، علاوه بر انسجام و جامعیت آن، نداشتن تقسیم‌بندی مراحل تصحیح بر مبنای روش‌های مختلف تصحیح است که تقریباً همه محققان فعال در حوزه تئوری تصحیح به این روش پرداخته‌اند. لیکچف خود به این امر واقف بوده و چنین گفته است: «به نظر من، محدود کردن امر تصحیح به بیان سبک‌های تصحیح، کاری سراسر اشتباه است. اینکه بخواهیم تصحیح را بر مبنای روش‌های آن اعم از انتقادی و قیاسی و... توضیح دهیم، مصححان را نه تنها آشفته و سردرگم می‌کنیم، بلکه مهم‌ترین نکات لازم در امر تصحیح را از چشم انداخته‌ایم. نکاتی مانند دقت در انسجام ساختاری پیرامتن و مقدمه از این موارد هستند. در نظریه ما، روش‌های تصحیح بر مبنای این مراحل، توصیف شده است» (همان: ۱۷۴).

اکنون به توضیحات جزئی‌تر درباره سه مرحله منظور پرداخته می‌شود. درباره مرحله تربیت و آموزش، لیکچف معتقد است که باید در آموزش عالی، رشته‌ای مجزا به نام متن‌شناسی ایجاد شود - چنانکه در برخی دانشکده‌های ادبیات روسیه وجود دارد - و یکی از دروس مهم آن، تصحیح باشد. لیکچف به تفصیل درباره این مرحله صحبت کرده است؛ اما به سبب تنگی مجال، تنها به نقل از وی می‌گوییم که «یکی از نکات مهم در مسئله تربیت و تعلیم، اشاعه فرهنگ کار با رایانه و استفاده از نرم‌افزارهای مناسب برای مصحح است... امروزه امکان خوانش نسخ خطی به سبب وجود امکانات نرم‌افزاری راحت‌تر و دقیق‌تر شده و با زوم و اصلاح خط و پس‌زمینه نسخه‌ها، می‌توان خوانش دقیق‌تری داشت» (همان: ۱۵۶). ویراستار کتاب لیکچف در همین صفحه و در پاورقی کتاب سخن

جالبی گفته است. او بیان کرده که امروزه در روسیه نرم‌افزاری به نام «پوکا» طراحی شده است که فقط به منظور کمک به تشخیص صورت صحیح برخی واژگان در نسخ خطی ساخته شده است و این قابلیت را دارد که حتی ضبط‌های نسخه‌ای را که به علت رطوبت یا خط‌خوردگی دچار خرابی نسبی شده است، تاحدی احیا کند. این نرم‌افزار قطعاً در ایران شناخته شده نیست و اگر بتوان از آن در ایران استفاده کرد و صحت و سقم آن را سنجید، در صورت کاربردی بودن، بسیار کارگشا و راهگشا خواهد بود.

به هر حال بعد از مرحله تعلیم و تربیت، مرحله دوم تصحیح، مرحله کشف و به‌گزینی است که چنان‌که بیان شد، سه بخش دارد که در اینجا درباره این سه بخش توضیح می‌دهیم.

الف) شناسایی یک متن مهم خطی

منظور لیکچرف این است که اولاً هر متن خطی‌ای ارزش تصحیح ندارد و مصحح باید با دانش خود این را تشخیص دهد. به نظر وی، برخی از متون خطی بهتر است به همان حالت، در کتابخانه‌ها باقی بمانند؛ اما چه آثاری دارای این ویژگی هستند؟ لیکچرف بیان می‌کند آن دسته از متون خطی که افراد کاملاً گمنام نوشته شده‌اند و سخن تازه‌ای ندارند و تقلید آثار دیگر هستند، لیاقت ارائه چاپی را ندارند. به گمان وی، این گونه متون خطی را باید در بانک جامع متون خطی در اینترنت گنجانند تا کسی که می‌خواهد آن‌ها را بخواند و یا به مطالعه تاریخ یک رشته بپردازد، از آنها استفاده کند (همان: ۱۶۳).

ب) شناسایی مصالح

منظور از مصالح و مواد، «یافتن انواع نسخه‌های موجود از یک متن خطی است. مصحح می‌تواند به طرق مختلفی به این نسخ دست یابد از جمله جست‌وجوی اینترنتی در کتابخانه‌های مهم دنیا و البته کشورهای که احتمال می‌رود متن خطی مورد نظر با توجه به موضوعشان، بیشتر در کتابخانه‌های آن‌ها یافت شود. به‌عنوان نمونه متن خطی‌ای که موضوعش کلام اسماعیلیان است، انتظار می‌رود در کتابخانه‌های کشورهای چین پاکستان،

هند، مصر، ترکیه و ایران و نقاطی این‌چنینی بیشتر یافت شود» (همان: ۱۵۸). به‌جز نسخ خطی، لیکچف مصححان را به توجه بسیار به برخی کتاب‌های متناسب با موضوع منظور فرامی‌خواند که در سال‌های نزدیک به اثر نیز نوشته شده است؛ مثلاً در آثاری مانند جُنْگ‌ها، تذکره‌ها، مجموعه‌دیوان‌های چند شاعر و غیره شاید از مطالب اثر مدنظر، چیزی در آن‌ها یافت شود.

ج) انتخاب نسخ اصلی و فرعی

به نظر لیکچف، مهم‌ترین کار مصحح در این مرحله همین است؛ یعنی انتخاب صحیح نسخ اصلی و فرعی. لیکچف دربارهٔ این موضوع چیزی نزدیک به شش صفحه در کتابش صحبت کرده است که بیانگر اهمیت این مصداق، در نظر اوست. لیکچف ابتدا به تبیین نسخهٔ اساس می‌پردازد و بیان می‌کند که نباید ملاک برای برگزیدن یک نسخه برای نسخهٔ اساس، تنها «قدمت» نسخه باشد. لیکچف نسخهٔ اساس را دارای یکی از دو کیفیت A و B می‌داند و این کیفیت را این‌گونه روشن می‌کند که «مصحح باید دست‌کم یک‌سوم نسخهٔ اقدم را با تمام نسخ مطابقت دهد. اگر در حین مقایسه، بیش از بیست مورد یافت شد که ضبط نسخ بدل، مناسب‌تر از نسخهٔ اساس است و همچنین دست‌کم پنج مورد یافت شد که ضبط نسخهٔ اساس، ابهام عمیقی در آن قسمت متن ایجاد کرده، پس آن نسخهٔ اساس از نوع کیفی B است و در غیر این صورت، کیفیت نسخهٔ اساس از نوع A است» (همان: ۱۷۱). پس لیکچف روشن کرد که مصحح باید نسخهٔ اساس را بر مبنای قدمت انتخاب کند؛ اما اگر در آن نسخه، دو مشکل یادشده یافت شد، نسخهٔ اساس از نوع کیفی B است و در این حالت، مطالب آن با کمک نسخ دیگر، اصلاح و تکمیل می‌شود. نکتهٔ مهمی که لیکچف دربارهٔ نسخهٔ اساس می‌گوید این است که «نسخهٔ اساس چه از نوع A و چه B به هیچ‌وجه نباید به‌عنوان متن لایتغیر^۷ فرض شود؛ بلکه باید با ضبط‌های صحیح نسخ بدل، اصلاح شود» (همان: ۱۶۹). لیکچف همچنین در این قسمت دربارهٔ الحاقات یا محذوفات نسخهٔ اساس

نیز صحبت کرده و تشخیص آن را از مهارت‌های اصلی مصحح دانسته است. «مصحح باید آنچنان با سبک متن و سبک گوینده آن آشنا باشد که بتواند تشخیص دهد، برخی جمله‌های متن، الحاقی کاتبان است یا برخی جمله‌ها، از نسخه‌ی اساس حذف شده‌اند» (همان). در قسمت قبل، از نرم‌افزار پوکا صحبت شد؛ در اینجا این را هم باید اضافه کرد یکی دیگر از امتیازات این نرم‌افزار همین مورد است؛ یعنی نرم‌افزار با شناختی که از سبک زبانی و ادبی اثر دارد، تشخیص می‌دهد آیا آن جمله‌های زائد و الحاقی، شباهتی با سبک زبانی و ادبی آن اثر دارد یا نه؟ البته ویراستار کتاب در زمان صحبت از این امکان نرم‌افزار پوکا، درباره‌ی سبک فکری اثر و تشخیص آن با کمک نرم‌افزار سخنی بیان نکرده و بعید به نظر می‌رسد که این نرم‌افزار بتواند به سبک فکری یک اثر نیز دست یابد.

مرحله سوم و آخر امر تصحیح، مرحله‌ی ارائه است که این مرحله هم دارای سه بخش است:

الف) تعیین درجه‌ی انعطاف متن خطی

یکی از نکات ابداعی و مهمی که در نظریه‌ی لیکچاف هست، تعیین و شناسایی میزان انعطاف‌پذیری متن خطی است. لیکچاف معتقد است در کل، دو سبک تصحیح بیشتر وجود ندارد؛ یکی زمانی است که از متن خطی، تنها یک نسخه‌ی خطی موجود است که مصحح در این حالت، آن تک‌نسخه را به صورت اجتهادی^۱ ارائه می‌دهد؛ اما مهم اینجاست که این اجتهادات همگی باید در پاورقی یا حاشیه‌ی متن ذکر شود و به داخل متن وارد نشود تا زمانی که نسخه‌ی بدل‌هایی یافت شود و بتوان حرف خود را با استناد به آن‌ها به کرسی نشان داد. نوع دوم سبک تصحیح زمانی است که بیش از یک نسخه‌ی خطی موجود است؛ در این حالت چه نسخه‌ی اساس از نوع کیفی A و چه B باشد، باید سبک انتقادی در نظر گرفته شود. اما تفاوت اینجاست که اگر نوع کیفی A باشد، کمتر شاهد قواعد سبک انتقادی هستیم؛ اما اگر B باشد بیشتر با قواعد سبک انتقادی سروکار داریم. پس منظور لیکچاف از تعیین درجه‌ی انعطاف متن، همین سه حالت است.

ب) رعایت انسجام ساختاری مقدمه

منظور از انسجام ساختاری در دستگاه فکری لیکچرف، برخورداری از اصول علمی و ضروری مقدمه‌نویسی بر یک متن خطی است. لیکچرف زمانی یک مقدمه را دارای انسجام ساختاری می‌داند که واجد شرایط زیر باشد:

۱) شرح حال به شرط حرف تازه: اگر مصحح نکته تازه‌ای درباره زندگی و آثار صاحب اثر نیافته است و قصد تکرار مطالب آثار دیگر را دارد، باید از ذکر شرح زندگی و آثار صاحب متن خطی به‌جدا پرهیز کند.

۲) رعایت مساوات در توضیح: در قسمت توضیح زندگی و آثار گوینده متن خطی، به مطالب مهم پردازد و بر مبنای اهمیت به ایجاز و اطناب آنها پردازد. این سخنان لیکچرف را می‌توان در مقدمه‌های آثار تصحیحی در ایران نیز دید؛ برای مثال در مقدمه یک اثر، مصحح چندین صفحه را به توضیح زندگی و احوال ممدوحان شاعر اختصاص داده، حال آنکه از زندگی خود شاعر کمتر صحبت شده است.

۳) استخراج مطالب مستند: مطالب ذکر شده درباره زندگی و آثار صاحب اثر باید کاملاً علمی و مستند باشد و از ذکر داستان‌های خیالی درباره وی - که در تذکره‌ها و آثار مشابه فراوان است - پرهیز شود.

۴) توضیح کامل نسخ استفاده‌شده و سبک تصحیح: مصحح در مقدمه باید حتماً به توضیح کامل و علمی ویژگی‌های نسخ استفاده‌شده پردازد و روش تصحیح خود را به تفصیل بیان کند.

سومین بخش از مرحله «ارائه» بخش زیر است.

ج) رعایت انسجام ساختاری پیرامتن

در این مورد هم باید گفت منظور از انسجام ساختاری برخورداری از اصول علمی و

ضروری ایجاد یک پیرامتن است.

پیرامتن به معنای «هرآنچه خارج از مسئله تصحیح و مقدمه باشد و در واقع، مربوط به ظاهر چاپ و فهرست‌های مختلف و شماره‌گذاری صفحات است» (likachov, 1988: 168). پس مسائل پیرامتنی شامل وجود فهرست‌های ابتدایی و انتهایی است (فهرست مطالب، فهرست واژگان سخت، فهرست آیات و احادیث و فهرست اعلام و سایر فهرست‌ها). همچنین به کیفیت چاپ اثر و زیبایی تایپ و کاغذ آن نیز می‌پردازد. کتاب‌های مربوط به تصحیح که در ایران نوشته شده‌اند، غالباً اشاره‌ای به اصطلاح پیرامتن نکرده‌اند و چندان جایگاهی هم برای مسائل پیرامتنی و تأثیر آن‌ها در کیفیت تصحیح در نظر نمی‌گیرند؛ برای نمونه در کتاب‌های نجیب مایل‌هروی در این باره، تنها ذکر شده است که «حواشی یک تصحیح نیز می‌تواند تا حدودی به بهتر شدن کیفیت تصحیح کمک کند. مسائلی از قبیل زیبایی جلد کتاب و تایپ و حروف‌چینی، از این قبیل‌اند» (مایل‌هروی، ۱۳۸۰: ۱۲۴). می‌بینیم که مایل‌هروی تنها زیبایی ظاهری را برشمرده و از دیگر موارد مهم – و به قول خودش، حواشی تصحیح – ذکری نکرده است.

۱-۴ تعداد مصححان زن و آثار آنان

به‌طور رسمی در دهه هفتاد تصحیحات زنان رسماً چاپ می‌شود. این تأخیر و غیبت زنان در حوزه تصحیح «شاید به‌خاطر نوع نگاه مردسالار در جامعه ایران بوده که کارهای سخت و حساس را بیشتر در توان مرد می‌دیده است» (ناصر، ۱۳۷۴: ۹۲). در کل، انتشارات میراث مکتوب بیشترین تعداد تصحیح زنان را چاپ و عرضه کرده است. در میان این مصححان، افرادی مانند مریم حسینی و اکرم جودی نعمتی، مشهورتر از سایر مصححان هستند. برخی از آثار تصحیحی مانند تصحیح *حدیقه الحقیقه* از مریم حسینی، جوایز مهمی مانند جایزه کتاب سال را نیز دریافت کرده‌اند.

سال چاپ و ناشر اثر	مصحح	اثر
میراث مکتوب، ۱۳۷۵	معصومه سالک	تذکره المعاصرین حزین لاهیجی
میراث مکتوب، ۱۳۷۶	حبیبه دانش‌آموز	لطایف الامثال و طرایف الاقوال رشیدالدین و طواط
میراث مکتوب، ۱۳۷۵	اکرم جودی نعمتی	رساله عقل و عشق، ترکه اصفهانی
میراث مکتوب، ۱۳۸۲	صغری عباس‌زاده	مجموعه آثار حسام‌الدین حسن خوبی
اسفراین: انتشارات گنجینه، ۱۳۹۲	سحر عباسپور	تصحیح انتقادی دیوان حسرت اسفراینی
دوستان، ۱۳۸۳	سامیه بصیر مزدهی	خمسه نظامی
نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲	مریم حسینی	حدیقه الحقیقه
پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۴	منصوره شریف‌زاده	ظفرنامه
سخن، ۱۳۹۳	مریم حسینی	کشف الأسرار روزبهان بقلی
میراث مکتوب، ۱۳۸۵	سمیرا پوستین‌دوز	دیوان اشراق
میراث مکتوب، ۱۳۹۰	فائزه زهرا میرزا	محک خسروی خسروبیگ گرجی
میراث مکتوب، ۱۳۸۹	آمنه فخر احمد و ذبیح‌الله صاحب‌کاری	عرفات العاشقین و عرصات العارفین
دانشگاه کرمان، ۱۳۹۲	نجمه سروری و یحیی طالبیان و محمود مدبری	حملة حیدری ملابمانعلی راجی
خیام کابل، ۱۳۸۷	نیلاب رحیمی	کلیات اشعار قهار عاصی
پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۵	فاطمه علاقه	تذکره دولت‌شاه سمرقندی
رها، ۱۳۹۵	مهری بهفر	شاهنامه فردوسی

۲- بررسی تصحیح ظفرنامه بر مبنای نظریه لیکچاف

تاکنون، زنان حدود بیست و پنج اثر تصحیحی را به صورت چاپ‌شده ارائه کرده‌اند. در این مقاله، امکان ذکر تحلیل همه این آثار بر مبنای نظریه لیکچاف نیست؛ اما با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، این نتیجه به دست آمد که تصحیح ظفرنامه به کوشش منصوره شریف‌زاده (ظفرنامه) (قسم اسلامی) حمدالله مستوفی، تصحیح منصوره شریف‌زاده، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۴) از بهترین نمونه‌های تصحیح متون ادبی زنان است. در ادامه، علل این امر به تفصیل بیان می‌شود.

ظفرنامه حمدالله مستوفی بر وزن شاهنامه فردوسی و درباره تاریخ اسلام و خلفای اموی و عباسی و فاطمی است. تصحیح این اثر از نمونه‌های مناسب و مهم تصحیح در دهه اخیر به شمار می‌رود. ظفرنامه دارای سه جلد یا به عبارت بهتر، سه قسمت است که خانم شریف‌زاده قسم اسلامی را تصحیح کرده است.

۱-۲ پردازش موفق مرحله ارائه

لیکچرف در یکی از مقالات مشهور خود با نام «تصحیح روی متن» به بیان دوباره اصول نظریه خود درباره تصحیح و این بار با ذکر شواهد و نمونه‌های شعری بیشتری می‌پردازد. او در این مقاله ذکر می‌کند که «همه هنر مصحح، به مرحله سوم یعنی مرحله «ارائه» برمی‌گردد و اینکه چگونه بتواند سه مختصه این مرحله را به‌خوبی، بپرواند» (likachov, 1990: 164). لیکچرف در همین قسمت، مثالی از تصحیح یک منظومه روسی به نام «آداستافین» ذکر می‌کند که طی آن، مصحح این اثر، به‌خوبی به رعایت مرحله ارائه و ویژگی‌های سه‌گانه آن، پرداخته است. البته در اینجا، ذکر این شواهد، مناسبتی با کار مدنظر ندارد؛ اما از همین نکته، گریزی می‌زنیم به اینکه یکی از علل موفقیت تصحیح ظفرنامه، همین امر، یعنی موفقیت مصحح در پردازش مرحله «ارائه» و سه ویژگی و مصداق آن است.

مصحح ابتدا در مقدمه به نخستین مصداق مرحله «ارائه» پرداخته است و می‌گوید: «پس از بررسی دقیق نسخه اساس و مطابقت با نسخ بدل، دریافتیم که تعداد مواردی که ضبط نسخ بدل، مناسب‌تر از نسخه اساس و مطابقت با نسخ بدل، در یافتیم که تعداد مواردی که ضبط انتقادی بزنیم و ضبط اصح را به‌جای ضبط ناقص نسخه اساس، در متن بیاوریم» (مستوفی، ۱۳۸۴: بیست و هشت). این سخن مصحح دقیقاً به نخستین مصداق مرحله «ارائه» یعنی «تعیین درجه انعطاف متن خطی» برمی‌گردد و باعث می‌شود مخاطب پی‌برد مجبور نیست به‌سبب وفاداری صرف مصحح به یک نسخه اساس پرغلط، مجبور باشد متنی مغلوط و مبهم را تحمل کند.

همچنین یکی از امتیازات بسیار مهم این تصحیح، باز به همین مصداق «تعیین درجه انعطاف متن خطی» با عنوان «دخالت‌ندادن حدس و قیاس در متن» بازمی‌گردد؛ یعنی یکی از ویژگی‌های این تصحیح این است که مصحح، قیاسات و حدس‌های خود را که البته نزدیک به یقین هم بوده، به‌علت ذکر نشدن در نسخ بدل و اساس، در متن نگنجانده است؛ برای مثال در بیت زیر:

گروهی شد اندر پی او فرو گروهی پیوشید از بیم رو
(مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۲)

مصحح درباره این بیت، در پاورقی چنین می‌گوید: «مصراع اول، در نسخه اساس به صورت «گروهی شدند در پی او فرو» است؛ اما به قیاس مصراع دوم و رفع اختلال در وزن ضبط مصراع نخستین به گونه «گروهی شد اندر پی او فرو»، موجه‌تر می‌نماید و در متن، اعمال شد» (همان).

چنانکه می‌بینیم، این‌گونه اصلاحات را مصحح در پاورقی بیان کرده است و مطالب خود را به هیچ‌وجه به متن دخالت نداده است که اتفاقاً کاری مقبول است و به‌علت نبود نسخه‌بدل‌های دیگر، ظن و استدلال خود را - اگرچه در اغلب موارد هم صحیح بوده است - به متن نکشاند. در واقع ایشان تا پیداشدن نسخ بدل، به خود اجازه تصرف در متن را نداده‌اند.

هر زمان هم که غلط بودن ضبط نسخه اساس، بدیهی و قطعی است، در پاورقی به اصلاح خود اشاره کرده است:

تأمل نمودم به کار فلک پژوهیدمی سر آن یک به یک
(همان: ۲۴)

در پاورقی درباره قسمت منظور می‌خوانیم: «در اصل: شران یک» (همان). یکی دیگر از زیرمجموعه‌های مصداق «تعیین درجه انعطاف متن خطی»، به بحث

«حرکت‌گذاری مناسب» برمی‌گردد. لیکاچف در مقاله «تصحیح روی متن» یکی از امتیازات کار مصححان موفق را اقدام آنان به آسان‌کردن خوانش مخاطب در اشعار می‌داند و خود نیز به ذکر برخی تصحیحات موجود در ادبیات روسیه می‌پردازد (likachov, 1990: 163).

همچنین یکی از ویژگی‌های خوب تصحیح *ظفرنامه*، به بحث حرکت‌گذاری واژگان و ترکیبات سخت برمی‌گردد؛ برای مثال درباره بیت زیر:

دگر عم داوود را آن زمان حرمین سپرد و یمن همچنان
مصحح در پاورقی نوشته است: «برای رعایت وزن، حرمین با تشدید «م» و به صورت جمع مذکر عربی و نه مثنی، خوانده شود» (همان).

با همه ویژگی‌هایی که درباره موفقیت مصحح *ظفرنامه* در رعایت مصداق «تعیین درجه انعطاف متن خطی» بیان شد، این اثر گاهی در این زمینه، دارای ایرادهایی هم هست؛ مثلاً گاهی شاهدیم که ضبط موجود در متن، دچار اشکال و ابهام است؛ اما مصحح به آن هیچ اشاره‌ای نکرده است:

بدی در نهان نیکوی آشکار شد از فر آن مهق نامدار
(همان: ۲۹)

واژه «مهق» معنا و ساختاری مبهم دارد؛ اما مصحح در پاورقی به آن اشاره‌ای نکرده است. گاهی نیز مصحح در دام اعجام و رسم‌الخط خاص نسخ خطی درباره نگارش کلمات نقطه‌دار افتاده است:

نهانی نسازد مر این کار نیز برآرد مر آن فتنه جو را قفیز
مصحح در پاورقی ذکر کرده است: «در اصل: برآرد مر آن فتنه جو را قفیز» (همان: ۳۲). واضح است که «برآرد» در اصل، همان «پرآرد» منظور بوده است که به سبب رسم‌الخط خاص نسخه‌های خطی، بدون نقطه ضبط شده است و یا بیت زیر:

چو خازم که بودش خزیمه پدر چو ابوالخصیب آن یل نامور
(همان: ۳۱)

در پاورقی آمده است که «در اصل: حازم بوده که اصلاح شده است و «خزیمه» نیز در اصل: «حریمه» بود که اصلاح شده» (همان).

یکی دیگر از موارد «تعیین درجه انعطاف متن خطی»، توضیح درباره برخی از اسامی خاص و اماکن در پاورقی است. در واقع، هر جا در اصل، شاهد ابهام و ایرادی در ضبط اسامی خاص و دشوار هستیم، مصحح ضمن آنکه در پاورقی، به شکل ضبط آن در اصل متن اشاره کرده است، به توضیحاتی مختصر اما روشن‌کننده برای فهم واژه مدنظر و علت برگزیدن و اصلاح آن اقدام کرده است:

به ملک طبر بُد یکی پادشا پدر مصمغان نام کرده ورا
(همان: ۳۶)

در پاورقی به نقل از مصحح می‌خوانیم: «در اصل: مصمغان. مصمغان: مسمغان لقبی است که فریدون پس از بندکردن ضحاک به یکی از دو خوالیگر او داد و دماوند را تیول او گردانید و این نام بعدها لقب ملوک دماوند شده است (تاریخ اسلام دکتر فیاض، ص ۱۸۶) (نقل از لغتنامه دهخدا/ معرب مسمغان) (مستوفی، ۱۳۸۴: ۳۶).

وجود چنین توضیحاتی در پاورقی کتاب، در بیشتر تصحیحات صورت گرفته در دهه‌های اخیر، دیگر مرسوم نیست؛ اما می‌توان گفت از آنجاکه مصحح در مواردی که ضبط ابیات در اصل متن و نسخه اساس، دچار مشکل بوده، توضیحاتی درباره همان واژگان دارای ابهام داده است، باعث درک بهتر مخاطب از فرایند تصحیح می‌شود.

یکی دیگر از مصداق‌های مرحله ارائه، «رعایت انسجام ساختاری پیرامتن» است که دقیقاً در این تصحیح، با تمام شاخصه‌هایش دیده می‌شود:

- تهیه فهرست‌های مختلف و منظم ابتدایی و انتهایی

برای مثال در قسمت اعلام، شاهد سه نوع فهرست هستیم: اعلام اشخاص، اعلام شهرها و مکان‌ها و اعلام ملل و نحل و یا اینکه فهرست انتهایی به هشت بخش تقسیم شده است؛ از جمله فهرست آیات، احادیث، اشعار فارسی، لغات دشوار و

- شماره‌گذاری متفاوت مقدمه و متن اصلی و تعلیقات

مقدمه به صورت حروفی (در برابر عددی) است و متن اصلی کتاب با شماره‌گذاری عددی آغاز شده است و فهرست‌های انتهایی نیز شماره‌گذاری حروفی دارد که با اصل متن درهم آمیخته نمی‌شود.

- تعلیقات با ایجاز مفید فایده

یکی از بخش‌های انتهایی کتاب، مربوط به توضیح واژگان دشوار است. این قسمت موجز است؛ اما ایجازی مناسب دارد. در واقع، بارها در متون دیگر شاهدیم که مصححان چنین بخشی را درج کرده‌اند؛ اما مرز خاصی میان واژگان دشوار و ساده نیست. مسلم است زمانی که عنوان «دشوار» ذکر می‌شود، باید منتظر بود تا واژگانی مطرح شود که کمتر مأنوس هستند؛ حال آنکه عملاً در بسیاری از متون، شاهدیم که واژگانی معنا شده است که آشنا و پرسامد است؛ اما مصحح در این قسمت، تنها به ذکر واژگان ناآشنا تر پرداخته است.

درباره سومین مصداق مرحله ارائه یعنی «رعایت انسجام ساختاری مقدمه» نیز باید گفت که مصحح، به خوبی، همه شرایط لازم در این قسمت را رعایت کرده است؛ برای نمونه، مطالبی که وی درباره زندگی حمدالله مستوفی بیان کرده، دارای امتیازات زیر است:

- پرهیز از ذکر نکات تکراری و کلیشه‌ای درباره زندگی مستوفی

مصحح از ذکر دوباره مطالب موجود درباره زندگی مستوفی در کتاب تاریخ ادبیات و دو بخش دیگر *ظفرنامه*، پرهیز کرده است و خود نیز در این باره چنین می‌گوید: «در این قسمت (زندگی‌نامه) برای پرهیز از اطاله کلام به سبب ذکر مجدد پاره‌ای مطالب تکراری و قدیمی درباره زندگی حمدالله مستوفی، تنها به بیان زمینه‌های سرودن *ظفرنامه* و ارتباط زندگی مستوفی با این اثر، پرداخته می‌شود» (مستوفی، ۱۳۸۴: سیزده).

- استخراج مطالب مستند

یکی از نکات ارزشمند در مقدمه این تصحیح، این است که مصحح تاجایی که توانسته از

ایراد آرای شخصی خود پرهیز کرده است و تقریباً هرچه درباره مستوفی و اثر او گفته، یا از منابع دست‌اول و یا از شعر و آثار دیگر خود مستوفی بوده است.

– توضیح کامل نسخ استفاده‌شده و روش تصحیح

در این زمینه نیز کار مصحح مثبت است. او به‌خوبی و به‌تفصیل، ابتدا از کیفیت و ویژگی‌های نسخ استفاده‌شده خود، اعم از جنس کاغذ، نوع خط، اندازه برگ‌ها، کتابت و تاریخ آن و موارد دیگر سخن گفته است؛ سپس شیوه استفاده خود را از این نسخ و امتیازات آن‌ها را بر یکدیگر و روش تصحیح خود را نیز بیان کرده است. در بحث روش تصحیح می‌خوانیم: «پس از انس طولانی اینجانب با نسخ و کتب مورد استفاده، به این نتیجه رسیدیم که بهترین روش تصحیح این اثر گراندرد، روش انتقادی است و سعی شد هرچاکه ضبط نسخ بدل، ارجحیت کامل به ضبط نسخه اساس داشت، ضبط نسخه اساس، نادیده گرفته شود و ادله این ترجیح نیز در پاورقی ذکر شود تا مصحح از جانب خوانندگان به درج میل و گمان خود متهم نشود» (مستوفی، ۱۳۸۴: سی و هفت).

گفتنی است نسخه اساس مصحح، نسخه مورخ ۸۰۷ موزه بریتانیاست. همچنین نسخه‌ای که در مجموعه میکروفیلم‌های کتابخانه استاد مینوی بوده و عکسی از نسخه‌ای متعلق به موزه استانبول و مورخ ۸۰۸ بوده است، استفاده شده که به زعم مصحح، دارای خدشه فراوان بوده است و با علامت «سب» در پاورقی درج شده است.

۲-۲ پردازش موفق مرحله کشف و به‌گزینی

از منظر تصحیح می‌توان گفت، تصحیح حاضر از نمونه‌های مناسب و موفق تصحیح است. به‌ویژه زمانی که تصحیح این اثر را با تصحیح دو جلد دیگر این کتاب مقایسه می‌کنیم، امتیازهای این تصحیح، بیشتر دیده می‌شود. یکی دیگر از نقاط مثبت این تصحیح، موفقیت در اجرای مرحله کشف و به‌گزینی است که یکی از مصادیق سه‌گانه آن، شناسایی مصالح است که درباره آن صحبت شد.

- شناسایی مصالِح

چنانکه خود مصحح نیز بیان کرده است، در امر تصحیح این اثر، از منابع اصلی حمدالله مستوفی در نوشتن این تاریخ نیز بهره برده است؛ از جمله «موارد مهمی که مصحح در امر تصحیح به آثاری چون تاریخ طبری و کامل التواریخ استناد جسته، استخراج و ضبط کامل اعلامی است که در این متن، حذف یا تلخیص شده است» (مستوفی، ۱۳۸۴: سیزده). برای نمونه درباره بیت زیر:

چو خازم که بودش خزیمه پدر چو ابوالخصیب آن یل نامور
(همان: ۳۱)

مصحح در پاورقی ذکر کرده که در نسخه اساس، این واژه به صورت «ابوالنسیب» ذکر شده است. مصحح با استناد به متون معتبر تاریخی و کتب رجالی مانند تاریخ مسعودی و تیمه الدهر منصور ثعالبی ذکر می کند که صورت صحیح، «ابوالخصیب» است که البته اینجا به ضرورت شعری باید روی «ب» تشدید گذاشت.

چنانکه با نگاهی به قسمت منابع استفاده شده در تصحیح ظفرنامه می توان فهمید، مصحح از حدود چهل کتاب تاریخی برای تشخیص صورت صحیح برخی واژگان تاریخی و جغرافیایی در ابیات بهره برده است.

۳- نتیجه گیری

این مقاله با دو هدف اصلی نوشته شد: هدف نخست، معرفی دیمیتری لیکاکف، زبان شناس برجسته روس و دیدگاه های بسیار مهم وی درباره تصحیح متون خطی و نسخه های خطی بود؛ هدف دیگر، برای درک بهتر کاربرد و کارکرد این نظریه، یکی از بهترین تصحیحات زنان یعنی ظفرنامه حمدالله مستوفی بررسی شد. به عبارت ساده تر، هدف دیگر این مقاله، معرفی یکی از بهترین تصحیحات صورت گرفته زنان، با معیار نظریه

لیکاچف است. البته برای رسیدن به این نتیجه، مراحل طولانی طی شد. حدود شانزده اثر مهم و برجسته تصحیحات زنان - که در جدول همین مقاله نشان داده شده است - بنابر دو مؤلفه اصلی نظریه لیکاچف بررسی شد؛ پس از بازبینی نتایج، کم‌غلط‌ترین و بهترین اثر از منظر استفاده صحیح از اصول تصحیح (برپایه نظر لیکاچف)، تصحیح *ظفرنامه* حمدالله مستوفی از منصوره شریف‌زاده تشخیص داده شد.

علت اینکه سایر تصحیحات صورت گرفته را دارای ضعف‌های فراوانی خواندیم، بیشتر به سه اصل بازمی‌گردد؛ یعنی بسامد وجود این سه غلط در سایر آثار تصحیحی زنان بسیار بالا بود؛ حال آنکه در *ظفرنامه*، بسامد پایین‌تری داشت. نخستین ایراد، اشاره نکردن به ضبط غلط یا مبهم موجود در متن برمی‌گردد که اگرچه در *ظفرنامه* هم وجود دارد، بسامد آن ۳۶ مورد است؛ حال آنکه برای نمونه در تصحیح *لطایف الامثال* و طواط این فراوانی به ۷۵ مورد می‌رسد. دومین ایراد موجود در دیگر تصحیحات، وفاداری صرف به نسخه اساس یا انتخابی است که یکی از موارد تعیین درجه انعطاف متن خطی به نظر لیکاچف است. همچنین زمانی که به تصحیح *ظفرنامه* و سایر تصحیحات زنان نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که درصد غلط‌ها و عیوبی مانند بی‌توجهی به شناسایی مصالِح، نبود تعلیقات مناسب و نبود توضیح صحیح روش کار در *ظفرنامه* تا چه میزان کمتر از دیگر آثار است.

پی‌نوشت

1. Dmitry Sergeyevech Likhachov
2. Leningrad State University
3. Training
4. finding and selectivity
5. presentation
6. pukka
7. unchangeable
8. endeavor

منابع

۱. اسعدی، سید حسن (۱۳۹۱)، مکاتب زبان‌شناسی، تهران: نیلوفر.
۲. اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹)، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، تصحیح ذبیح‌الله صاحب کار و آمنه فخراحمد، تهران: میراث مکتوب.
۳. عباسپور، سحر (۱۳۹۰)، تصحیح انتقادی دیوان حسرت اسفراینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد کرج.
۴. مایل‌هروی، نجیب (۱۳۸۱)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. _____ (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۶. مجرد، مجتبی (۱۳۹۳)، «سنت تصحیح متن در ایران پس از اسلام»، رساله دکتری، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۷. مستوفی، حمدالله (۱۳۸۴)، ظفرنامه (قسم اسلامی)، تصحیح منصوره شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۸. ناصح، محمدمهدی (۱۳۷۴)، توضیحی درباب روش تصحیح متون کهن به شیوه علمی، اجتهادی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. نظامی گنجوی (۱۳۸۱)، خمسه، تصحیح سامیه بصیرمژدهی، تهران: دوستان.
۱۰. وطواط، رشیدالدین (۱۳۷۶)، لطایف الامثال و طرایف الاقوال، تهران: میراث مکتوب.
11. Polsky, victor. (2010). **Great Russian linguistics**, Moscow: kazan berich.
12. Likachov, dimitry. (1988). **Textology**, the leningerad state university press.
13. Likachov, dimitry. (1990). "Correction on the text", **literature and humanities magazine**, number 19, pp 158-170.

